

۲ دورنما سیدرضا میرطاهر

انتخابات پارلمان اروپا ۲۰۲۴ که از ۱۷ تا ۱۹ خرداد (۶ تا ۹ ژوئن)

بر گزار شد به نقطه عطف مهمی در تاریخ سیاسی اتحادیه اروپا تبدیل شده است. میزان مشارکت در این انتخابات به ۵۹/۵۱ درصد رسید که نسبت به انتخابات گذشته افزایش داشته است. این افزایش نشان دهنده اهمیت و توجه بیشتر رأی‌دهندگان به مسائل اروپایی و تأکید بر نقش پارلمان اروپا در تعیین سیاست‌های کلان این اتحادیه است. نتایج انتخابات پارلمان اروپا نشان می‌دهد با وجود اینکه احزاب جناح راست میانه، لیبرال و سبزها همچنان بیشترین کرسی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند اما احزاب راست‌گرای افراطی توانسته‌اند جایگاه خود را از تقاطع پهنه و مستحکم‌تر کنند.

احزاب راست‌گرا و پوپولیست در این انتخابات عملکرد موفق‌تری داشتند. حزب محافظه کاران و اصلاح‌طلبان اروپایی (ECR) و حزب هویت و دموکراسی (ID) با کسب ۱۳۱ کرسی در رده سوم پس از احزاب مردم اروپا (EPP) با ۱۸۴ کرسی و سوسیالیست‌ها (S&D) با ۱۳۹ کرسی قرار گرفتند. با این تغییرات، توازن قدرت در پارلمان اروپا به سمت راست متمایل شده است. ائتلاف‌های مرکزی و چپ‌گرا، کرسی‌های زیادی را از دست داده و اکنون فقط ۵۴ درصد کرسی‌ها را در اختیار دارند که برای کسب اکثریت مطلق کافی نیست. اورزولا فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا هم‌زمان با اعلام نتایج انتخابات پارلمانی گفت: «امروز روز خوبی برای حزب مردم اروپاست» ولی با هشدار به اینکه «چنان پیرامون ما در ناآرامی است.» تأکید کرد: «این نتایج انتخاباتی نشان می‌دهد که اکثر اروپایی‌ها خواهان اروپایی قوی هستند.»

در فرانسه، حزب راست‌گرای افراطی «اجتماع ملی» به رهبری مارین لوپن توانسته حدود ۳۲ درصد از آرا را به دست آورد. این میزان حمایت حدود ۱۰ درصد بیشتر از انتخابات سال ۲۰۱۹ و ۱۷ درصد بیشتر از رأی‌های حزب رنسانس امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه است. در آلمان نیز حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» (AFD) با کسب ۵/۱۶ درصد از آرا، به دومین حزب پر قدرت این کشور تبدیل شده است. در هلند، حزب چپ سبز و حزب کارگران هشت کرسی از ۳۱ کرسی این کشور در پارلمان اروپا را به دست آورده‌اند و پشت سر آنها حزب راست افراطی «آزادی هلند» (PVV) متمایل به خیریت ویلدرز قرار دارد که هفت کرسی به‌دست آورده است. این در حالی است که ویلدرز در آخرین انتخابات اروپا به پارلمان راه نیافته بود. در اسپانیا، حزب پوپولیست پرادران ایتالیا (FDI) با کسب ۲۷ کرسی، بیشترین افزایش را داشت. این افزایش در حالی است که آرای حزب راست‌گرای افراطی لیگا در ایتالیا با کسب فقط هشت کرسی کاهش چشمگیری داشت؛ اما این کاهش با افزایش کرسی‌های احزاب راست‌گرا در فرانسه، آلمان، هلند و لهستان جبران شد. در

اتریش نیز حزب راست افراطی «آزادی» ۲۶ درصد آرا را کسب کرد و برای اولین بار در رأس احزاب دیگر قرار گرفت. حزب حاکم محافظه کار «مردم» ۲۴ درصد آرا را کسب کرد و جلوتر از حزب سوسیال دموکرات‌ها با ۲۳ درصد و سبزها با ۱۱ درصد قرار گرفت. احزاب چپ و سبز در کشورهای اسکاندیناوی حضور بهتری داشتند و احزاب راست افراطی و پوپولیست در سوئد، دانمارک و فنلاند شاهد کاهش سهم آرای خود بودند. در مجارستان حزب ویکتور اوربان، نخست‌وزیر این کشور توانست اکثریت آرا را کسب کند اما در مقایسه با انتخابات ۲۰۱۹ چشمگیر نبود. اولین جلسه پارلمان اروپای جدید در اواسط ژوئیه ۲۰۲۴ در استراسبورگ فرانسه برگزار می‌شود. انتظار می‌رود که احزاب محافظه کار طرفدار اتحادیه اروپا

بیشترین شمار اعضای این پارلمان را داشته باشند. البته نمایندگان پوپولیست با راست افراطی بیش از هر زمان دیگری کرسی دارند، اما دیدگاه‌های این دو جناح درباره مسائل متفاوت است.

وضعیت برنجر

در رقابت بر سر ۷۲۰ کرسی پارلمان اروپا، احزاب امانوئل مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه و اولاف شولتز صدر اعظم آلمان با ناکامی مواجه شده و شماری از کرسی‌های خود را از دست دادند. مکرون در واکنش به شکست حزبی (حزب رنسانس) در این انتخابات و پیروزی حزب راست افراطی «اجتماع ملی» فرانسه، پارلمان کشورش را منحل و برگزاری انتخابات جدید را اعلام کرد. مکرون گفت که نتایج انتخابات پارلمانی اروپا «برای کسانی که از اروپا دفاع می‌کنند؛ خوب



توازن قدرت در پارلمان اروپا به سمت راست متمایل شده است

نقطه عطف بازگشت از اروپاگرایی

نیست» و این نتایج فاجعه‌ای برای دولت وی است که نمی‌تواند وانمود کند، آن را نادیده می‌گیرد. اما تصمیم روز یکشنبه ۲۰ خرداد (۱۰ ژوئن) مکرون برای انحلال پارلمان و فرستادن رأی‌دهندگان به نارضایتی خود را از سیاست وی ابراز کرده‌اند به پای صندوق‌های رأی در انتخابات زودهنگام پارلمانی، تصمیمی پر خطر است که می‌تواند با پیروزی حزب اجتماع ملی، منجر به برتری راست‌گرایان افراطی برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم در فرانسه شود. مکرون که سه سال از دومین و آخرین دوره ریاست جمهوری‌اش باقی مانده است، احتمالاً پس از این باید راهی برای همکاری با نخست‌وزیری از حزبی بیاید که عمیقاً با اکثر سیاست‌های او مخالف است. همین امر منجر به انتشار اخباری درباره استعفا می‌مکرون در

به قدرت رسیدن احزاب و سران راست‌گرای افراطی به مثابه تهدیدی جدی برای هم‌گرایی اروپایی و اتحادیه اروپا محسوب می‌شود، چرا که این احزاب و سران آنها، خواهان تقدم منافع و حاکمیت ملی بر حاکمیت اتحادیه اروپا بوده و در بسیاری موارد مانند مسئله مهاجران و پناهجویان و نیز سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، حاضر به تبعیت از تصمیمات بروکسل نیستند

واکنش به پیروزی راست‌گرایان افراطی در انتخابات پارلمانی آینده شده است. درباره آلمان به عنوان مهم‌ترین کشور اتحادیه اروپا نیز انتخابات پارلمان اروپا شوک بزرگی به عرصه سیاسی آن وارد کرده و به ویژه حزب سوسیال دموکرات شولتز به دلیل کسب نتایج ضعیف در مقابل حزب راست افراطی «آلترناتیو برای آلمان» با وضعیت دشواری مواجه شده است. در جریان انتخابات پارلمان اروپا، هر سه حزب ائتلاف حاکم، با کاهش شدید کرسی‌ها مواجه شده‌اند و در مقابل حزب راست‌گرای آلترناتیو برای آلمان به نتایج بی‌سابقه‌ای دست یافته است. با توجه به برگزاری انتخابات ایالتی در فصل پاییز و انتخابات فدرال در سال آینده میلادی، آلمان احتمالاً به سمت «بزرگ‌ترین آشفتگی سیاسی» در تاریخ

دموکراسی پس از جنگ این کشور پیش می‌رود. این نتایج نشان‌دهنده تغییرات عمده در نگرش سیاسی مردم فرانسه و آلمان و رشد حمایت از احزاب راست افراطی است. نتایج این انتخابات نشان‌دهنده چرخش به راست در عرصه سیاسی قاره اروپاست که این امر می‌تواند تأثیرات عمیقی بر سیاست‌های آینده اروپا داشته باشد. روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف، در این باره نوشت: «فقط آلمان و فرانسه نیستند که با مشکل نارضایتی عمیق نسبت به نتایج انتخابات مواجه شده‌اند، بلکه در بریتانیا نیز شاید محافظه کاران با خطر نابودی و کناره‌گیری مواجه شوند. بدین ترتیب، شوک عمیقی به نظام‌های سیاسی سراسر غرب وارد شده است.» تحلیلگران بر این باورند که افزایش مشارکت مردم در انتخابات پارلمان اروپا نتیجه نگرانی‌های فراوان نسبت به مسائل اجتماعی، اقتصادی و امنیتی است که اتحادیه اروپا با آنها مواجه است. این تغییرات نه تنها بر سیاست‌های داخلی اتحادیه اروپا، بلکه بر موضوع آن در مسائل جهانی نیز تأثیر گذار خواهد بود. رؤسای جمهور و نخست‌وزیران

اتحادیه اروپا در ۲۸ خرداد (۱۷ ژوئن) نشست را برای بررسی نتایج انتخابات برگزار خواهند کرد.

پیامدها

احزاب محافظه‌کار، ملی‌گرا و راست‌گرای افراطی در مجموع ۱۴۹ کرسی کسب کرده‌اند اما تاکنون فراکسیون پارلمانی در پارلمان اروپا تشکیل نداده‌اند. چرخش بیشتر پارلمان اروپا به جناح راست موجب افزایش هزینه‌های زندگی، ایجاد چالش‌هایی در حوزه گذار به انرژی سبز و حمایت از اوکراین و نیز سخت‌گیری بیشتر نسبت به مهاجران می‌شود. همچنین چرخش بیشتر پارلمان اروپا به جناح راست، تصویب قوانین جدید در سراسر چالش‌های پیش‌روی اتحادیه اروپا، تغییرات جوی و رقابت صنعتی با چین و آمریکا را با دشواری‌های زیادی روبه‌رو می‌کند. اما موفقیت احزاب ملی‌گرا و راست‌گرایان افراطی و بدبین به اتحادیه اروپا به توانایی‌ها آنها برای غلبه بر اختلاف میان خود بستگی دارد. با افزایش نفوذ احزاب راست افراطی، آینده سیاست‌های اروپا در حوزه‌های مختلف با تغییرات قابل توجهی مواجه خواهد شد. مسائل حساس مانند بر خورد با روسیه، رقابت صنعتی و اقتصادی با قدرت‌های مانند چین و آمریکا و همچنین سیاست‌های مهاجرتی و امنیتی از جمله مواردی هستند که تحت تأثیر این تغییرات قرار خواهند گرفت. پراکندگی و ازهم گسیختگی بیشتر در پارلمان اروپا ممکن است فرآیند تصمیم‌گیری درباره این موضوعات را پیچیده‌تر و کندتر کند. در نهایت، نتایج انتخابات پارلمان اروپا ۲۰۲۴ نشان‌دهنده تحولی بزرگ در صحنه سیاسی این قاره است که می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای آینده اتحادیه اروپا داشته باشد.

به طور کلی نقش احزاب و جنبش‌های راست‌گرای افراطی به طور روزافزونی در عرصه سیاسی کشورهای اروپایی در حال افزایش بوده و به قدرت رسیدن احزاب و سران راست‌گرای افراطی به مثابه تهدیدی جدی برای هم‌گرایی اروپایی و اتحادیه اروپا محسوب می‌شود، به دلیل اینکه این احزاب و سران آنها خواهان تقدم منافع و حاکمیت ملی بر حاکمیت اتحادیه اروپا بوده و در بسیاری موارد مانند مسئله مهاجران و پناهجویان و نیز سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حاضر به تبعیت از تصمیمات بروکسل نیستند. ضمن اینکه این احزاب گرایش ملی‌گرایانه، افراطی داشته و خواهان اخراج مهاجران از کشورهای اروپایی هستند. در عین حال بسیاری از این احزاب و جنبش‌ها گرایش‌های اسلام‌ستیزانه و ضدمسلمانان دارند و تمسک می‌دهند. با توجه به اینکه اعمال خشونت علیه اقلیت‌ها و آزار مهاجران در چارچوب ترویج بیگانه‌هراسی از سوی راست‌گرایان افراطی اروپایی دنبال می‌شود، به همین دلیل این جریان به یک تهدید امنیتی جدی برای کشورهای اروپایی تبدیل شده است.

آلمان، تاوان حمایت از اسرائیل را در غرب آسیا پس داد

سختگیرانه آلمان در مورد جنگ اسرائیل و حماس کار آنها با شرکای محلی و جوامع را به خطر انداخته و به اعتماد و اعتباری که توسعه آن سال‌ها با دهه‌ها طول کشیده است آسیب رسانده است. همه به شرط ناشناس ماندن صحبت کردند تا شغل خود را از دست ندهند. این منابع به فارن پالیسی گفتند که آنها مدت‌هاست که در خلوت به آنچه که نمی‌توان به طور علنی در آلمان بیان کرد اعتراف کرده‌اند از جمله اینکه راه‌حل دو کشور، راهکاری مرده است، اشغال کرانه‌باختری به دست اسرائیل معادل آپارتاید است و سیاست خارجی آلمان از واقعیت‌های موجود در حین درگیری فلسطینیان و اسرائیل دور است. بسیاری از سازمان‌های آلمانی که در غرب آسیا کار می‌کنند؛ برای محافظت از کارکنان و شرکای محلی‌شان، بی‌صدا رویدادهای عمومی را لغو کرده، انتشار گزارش‌ها را به تعویق انداخته‌اند یا نشان‌های خود را از پروژه‌هایی که حمایت می‌کنند حذف کرده‌اند. چندین منبع هم گفتند که آنها نگرانند که رسانه‌ها با دولت آلمان ممکن است سازمان‌های آنها یا شرکای محلی آنها را به یهودی ستیزی متهم کنند.

روالری کیسی / فارن پالیسی

بعد از اینکه بررسی مستقل نشان داد اسرائیل شواهد کافی برای ادعاهای خود ارائه نکرده است و کمک مالی خود به آنروا را سرگرفت.

اثرات منفی بر نهادهای آلمانی

طی چندین دهه، آلمان با ایجاد رابطه صمیمی به دنبال آشتی دادن اسرائیل با جهان عرب بوده است و در همین راستا، برلین ردپای پر رنگی از قدرت نرم خود را در منطقه برجای گذاشت. اما از ۱۷ اکتبر، اقدامات سازمان‌هایی که معمولاً دولت آلمان آنها را از لحاظ مالی تأمین می‌کنند از جمله مؤسسه گوته، انجمن آلمان برای همکاری‌های بین‌المللی (GIZ) (بنیادهای مرتبط با احزاب سیاسی آلمان دور است. بسیاری از اصلی برنامه‌های مختلف در سراسر غرب آسیا هستند؛ متزلزل شده است. فارن پالیسی با ۹ کارمند فعلی و سابق شش مؤسسه آلمانی که در پنج کشور غرب آسیا کار می‌کنند؛ صحبت کرد. آنها گفتند که موضع

می‌دهد تا دوباره مسلح شود. برلین همچنین از رأی‌گیری سازمان ملل در دسامبر ۲۰۲۳ که خواستار آتش‌بس فوری در غزه شد، خودداری کرد. همچنین، ژانویه گذشته و در شرایطی که شمار کشته‌های فلسطینی‌ها در غزه به بیش از ۲۰ هزار نفر رسید، روبرت هابیک، معاون صدراعظم آلمان، اینکه اسرائیل غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهد را رد کرد و گفت که اگر چه برخی ممکن است به اقدامات خشن ارتش اسرائیل اعتراض کنند اما اتهامات نسل‌کشی علیه اسرائیل درست نیست. به مجموعه موارد یاد شده باید موضع‌گیری آلمان درباره پرونده نسل‌کشی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری را هم اضافه کرد که برلین آن را ابزار سازی سیاسی نامید و پس از اینکه اسرائیل ادعا کرد؛ برخی از کارکنان آژانس آنروا در حمله ۱۷ اکتبر مشارکت داشته‌اند، بوجه خود برای این سازمان را متوقف کرد و فقط

رویدادهای لغو شدند. از جمله آدانیا شیلی، نویسنده فلسطینی که مراسم اهدای جایزه او را نمایشگاه کتاب فرانکفورت در ماه اکتبر لغو کرد. غسان هیج، مردم‌شناس لبنانی- مصری را هم فوریه گذشته مؤسسه معتبر ماکس پلانک اخراج کرد. همه اینها در سایه هشدار هنرمندان و روشنفکران منتقد اسرائیل اعم از یهودیان و اعراب، درباره موجی از سکوت در سراسر جامعه آلمان رخ داد. اگر چه امکان اینکه این تغییر در افکار عمومی بر روابط سیاسی با اقتصادی آلمان با کشورهای عربی تأثیر بگذارد؛ زیاد نیست اما این پتانسیل را دارد که قدرت نرم برلین را در منطقه تضعیف کند.

حمایت چشم‌پسته آلمان از اسرائیل

در ماه‌های پس از ۷ اکتبر، رهبران آلمان به قربانیان حمله حماس، تحت عنوان یهودی ستیزی و آنچه که به نظر آنها تهدید وجودی حماس برای امنیت اسرائیل است، به طور ویژه توجه کردند. و در این بین، وضعیت زندگی غیرنظامیان فلسطینی حتی از لحاظ میزان بالای مرگ و میر در غزه، بسیار کمتر از درگیری‌های قبلی مورد توجه قرار گرفت. اکتبر پارسال هم آنالنا باتربوک، وزیر خارجه آلمان در اظهاراتی تند نه تنها گفت حماس تمام غزه را به گروگان گرفته است بلکه ادعاهای اسرائیل درباره اینکه این گروه غیرنظامی از غیرنظامیان در آلمان با اسرائیل، پلیس نظاهرات‌های تکرار کرد. آلمان علاوه بر این، درخواست‌ها برای آتش‌بس را رد کرد آنهم به این بهانه که شولنس گفته بود؛ چنین آتش‌بسی به حماس اجازه

ساکنان ۱۶ کشور عربی که مؤسسه دوحه آن را منتشر کرد هم نشان داد که ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان درباره موضع این کشور در قبال جنگ اسرائیل و حماس نظر منفی داشتند. عمروعلی، جامعه‌شناس مقیم مراکش که رابطه بین آلمان و جهان عرب را مطالعه می‌کند، این موضوع را چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای در افکار عمومی توصیف کرد او در رسانه‌های اجتماعی متوجه چیزی شد که قبلاً هرگز ندیده بود و در این مورد گفت: «جوانان در سراسر جهان عرب هر روز در مورد آلمان در شبکه‌های اجتماعی مطلب منتشر می‌کردند و هیچ یک از برداشت‌های آنها مثبت نبود.» علی معتقد است: «ما واقعاً شاهد تغییرات بزرگی هستیم که یکی از بازیگران کلیدی به عنوان آلمان در این امر سهیم است.» همه اینها در شرایطی است که پیش از این، برداشت‌های مثبت از آلمان مدت‌ها در خاورمیانه حکمفرما بود. خودداری دولت آلمان از شرکت در جنگ عراق و پذیرش بیش از یک میلیون پناهنجوی سوری در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ در این زمینه مؤثر بود. ضمن اینکه آلمان نقش مستقیم استعمارگر در خاورمیانه ندارد یعنی پرونده‌اش فاقد همان مسئله‌ای است که بی‌اعتمادی منطقه‌ای به قدرت‌های مانند فرانسه و بریتانیا را تغذیه می‌کند. اما این روزها هم‌زمان با ابراز همبستگی شخصیت‌های شناخته شده در آلمان با اسرائیل، پلیس نظاهرات‌های طرفدار فلسطین را سرکوب و آنها را با خشونت متفرق کرد یا اینکه فعالیت آنها را به دلیل یهودی ستیزی ممنوع کرد. در بسیاری از موارد، جوایز و بودجه یا

۲ ریکتر زلزله‌ساخت آفرینی

پتر پروگل، سفیر آلمان در تونس، اکتبر گذشته و هنگام سخنرانی در مراسم افتتاحیه یک مدرسه و سپس از اینکه وزیر آموزش تونس با مردم غزه از همبستگی کرد؛ در اشاره به واقعه ۱۷ اکتبر، اسرائیلی‌ها را قربانی «ترو فلسطینی‌ها» توصیف کرد. این حرف، خشم وزیر تونس را به دنبال داشت تا جایی که سخنان سفیر آلمانی را مغایر با موضع تونس در مورد جنگ اسرائیل و حماس دانست و در نهایت، پروگل ناچار شد تا با عجله مراسم را ترک کند. اگرچه پس از این وقایع، سفارت آلمان تأکید کرد که پروگل با همه‌قربانیان ابراز همدردی کرده است اما این را هم اعلام کرد که نمی‌تواند این موضوع را نادیده بگیرد که وضعیت متشنج کنونی ناشی از حمله حماس به اسرائیل بوده است. در نهایت نتیجه این شد که تونس‌های به این باور برسد که پروگل، کشتار غیرنظامیان در غزه به دست اسرائیل را توجیه کرده است و چند روز بعد، معترضان در مقابل سفارت آلمان تجمع کردند و خواستار استعفا پروگل شدند. با این همه، روزنامه آلمانی «بیلد» اشاره به حمایت مالی آلمان از تأسیس مدرسه‌ای که پروگل در آن سخنرانی کرده بود؛ اعتراض صورت گرفته را با عنوان «حمله نفرت» توصیف کرد. این در شرایطی افتاد که اعتراضات علیه جنگ اسرائیل در غزه قبلاً سفر تخته‌های ایالات متحده و فرانسه در تونس را هم هدف قرار داده بود و با اقدامات صورت گرفته، این خشم برای نخستین بار به سمت آلمان معطوف شد.

چرخش نگرش ۱۸۰ درجه‌ای در غرب آسیا آلمان در روزهای نخست پس از حمله ۱۷ اکتبر، عمدتاً بدون بررسی شرایط، از حمله اسرائیل حمایت کرد و به تازگی در هفته‌های اخیر، برخی از مقامات موضع انتقادی تری اتخاذ کرده‌اند. این در حالی است که در سرتاسر غرب آسیا، از مقاومت فلسطین به شدت حمایت می‌شود و بسیاری از اعراب، جنگ اسرائیل در غزه را نسل‌کشی اسرائیل می‌دانند. با این حال، برلین همچنان خود را به عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدان سیاسی و نظامی اسرائیل نشان می‌دهد؛ حتی در شرایطی که با گذشت بیش از هفت ماه بمباران اسرائیل، بیش از هزاران فلسطینی در غزه کشته شده‌اند و این منطقه قطعی گسترده‌ای را تجربه می‌کند. اعطاف‌ناپذیر بودن آلمان درباره این جنگ به سرعت شهرت این کشور را در سراسر خاورمیانه خدشه دار کرده است. نظرسنجی ژانویه گذشته از

فارن پالیسی با ۹ کارمند فعلی و سابق شش مؤسسه آلمانی که در پنج کشور غرب آسیا کار می‌کنند؛ صحبت کرد. آنها گفتند که موضع سختگیرانه آلمان در مورد جنگ اسرائیل و حماس کار آنها با شرکای محلی و جوامع را به خطر انداخته و به اعتماد و اعتباری که توسعه آن سال‌ها با دهه‌ها طول کشیده آسیب رسانده است

